عکس: رضا معطران /ایران

ارزیابی دلایل تاب‌آوری جامعه در گفت‌وگو با علی‌اصغر سعیدی، جامعه‌شناس

طبقه متوسط توسعه‌گرا مانع فروپاشی اجتماعی شد

گفت و گو

رضوانه رضایی پور- گروه سیاسی/ جامعه ایران در سال‌های اخیر با مشکلات اقتصادی و برخی شکاف‌های اجتماعی روبه‌رو بوده است، اما تجربه جنگ اخیر نشان داد که برخی نارضایتی ها الزاماً به معنای گسست ملی نیست. علی اصغر سعیدی، جامعه‌شناس و دانشیار دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر نقش حافظه تاریخی، هویت ملی، تاب‌آوری اجتماعی و شکل‌گیری طبقه متوسط فرهنگی، معتقد است که تهدید خارجی لایه‌های عمیق‌تری از هویت ایرانی را فعال می‌کند و همین امر زمینه‌ساز همبستگی ملی می‌شود. او در عین حال هشدار می‌دهد که این سرمایه اجتماعی در صورتی ماندگار خواهد بود که پس از جنگ با اصلاح در شیوه‌های مدیریتی، بازسازی اقتصادی و تأمین رفاه عمومی همراه شود. گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید درباره این موضوع اساسی است که چرا جامعه ایران با وجود برخی نارضایتی‌های داخلی، در برابر تهدید خارجی به انسجام رسید و چگونه می‌توان این سرمایه اجتماعی را در دوران پساجنگ حفظ و به توسعه تبدیل کرد؟

کشور ما در مقابل تهاجم نظامی آمریکا و اسرائیل ایستادگی کرد و همین ایستادگی مانع از آن شد که متجاوزان به اهداف خود برسند. شما رمز و راز و ریشه‌های این مقاومت ملی را در چه می‌دانید؟ چه مؤلفه‌هایی در این خصوص برای خود شما قابل تأمل‌تر بود؟

پرسش شما از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی تاریخی و مطالعات مربوط به تاب‌آوری اجتماعی بسیار مهم است. پاسخ به این سؤال نیاز به تحقیقات میدانی زیادی دارد که بنده نمی‌دانم انجام شده است یا خیر. اما اگر بخواهیم نظرات اهل فن را جمع‌بندی کنیم که تا امروز تحلیلگران و صاحب‌نظران داخلی درباره «رمز و راز مقاومت ایران در شرایط فشار خارجی، تحریم طولانی، بحران‌های اجتماعی داخلی و جنگ مستقیم» چه گفته‌اند، می‌توان چند محور اصلی را برجسته کرد.

نخستین و شاید مهم‌ترین عامل، چیزی است که در ادبیات علوم اجتماعی از آن با عنوان تمایز میان تعارض داخلی و تهدید خارجی (Distinction between Internal Conflict and External Threat) یاد می‌شود. بسیاری از پژوهشگران معتقدند جامعه ایران، هرچند در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارای برخی شکاف‌ها است، اما این شکاف‌ها الزاماً به معنای تن دادن به مداخله خارجی نیست. در تجربه تاریخی ایران، از جنگ ایران و عراق گرفته تا بحران‌های مختلف منطقه‌ای، نوعی الگوی رفتاری مشاهده شده است که مردم در برابر قدرت خارجی، حتی اگر منتقد حکومت باشند، نوعی همبستگی دفاعی پیدا می‌کنند. این پدیده را در علوم سیاسی اثر گردهمایی حول پرچم یا Rally Around the Flag Effect می‌نامند؛ یعنی در لحظه تهدید بیرونی، اختلافات داخلی موقتاً به حاشیه می‌روند.

عامل دوم، وزن سنگین حافظه تاریخی ایرانیان است. بسیاری از جامعه‌شناسان ایرانی اشاره کرده‌اند که جامعه ایران دارای حافظه تاریخی بسیار عمیقی نسبت به تجربه‌های مداخله خارجی است؛ از جنگ‌های ایران و روس در قرن نوزدهم، تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سپس جنگ هشت‌ساله. این حافظه تاریخی باعث شده بخشی از جامعه، حتی در شرایط انتقادی نسبت به هر پروژه‌ای که بوی تجزیه، اشغال یا تحمیل خارجی بدهد حساسیت زیادی داشته باشد. به بیان دیگر، تاریخ در ایران فقط گذشته نیست بلکه بخشی از رفتار سیاسی امروز را شکل می‌دهد.

مؤلفه سوم، چیزی است که برخی پژوهشگران آن را ملی‌گرایی تدافعی (Defensive Nationalism) می‌نامند. در بسیاری از جوامع، هویت ملی در شرایط عادی ممکن است ضعیف یا پراکنده به نظر برسد، اما در شرایط تهدید خارجی ناگهان فعال می‌شود. در ایران، هویت ملی ترکیبی از عناصر تمدنی، تاریخی، زبانی و فرهنگی است که فراتر از شکاف‌های سیاسی روزمره عمل می‌کند. حتی گروه‌هایی که در مسائل داخلی منتقد جدی هستند، ممکن است در شرایطی که موجودیت سرزمینی کشور را در خطر ببینند، به دفاع از کلیت کشور گرایش پیدا کنند.

چهارمین عامل، ظرفیت تاب‌آوری اجتماعی ناشی از سال‌ها بحران است. ایران جامعه‌ای است که دهه‌ها تحریم، تورم، بی‌ثباتی اقتصادی و انواع بحران‌های منطقه‌ای را تجربه کرده است. برخی اقتصاددانان و جامعه‌شناسان معتقدند همین وضعیت، نوعی سازگاری اجتماعی با شرایط دشوار ایجاد کرده است. در ادبیات علمی به این پدیده تاب‌آوری اجتماعی (Social Resilience) گفته می‌شود؛ یعنی جامعه یاد می‌گیرد چگونه تحت فشارهای شدید همچنان کارکردهای اصلی خود را حفظ کند. جامعه‌ای که مدت‌ها در بحران زیسته، لزوماً در برابر بحران جدید به سرعت فرو نمی‌پاشد. پنجمین عامل، ناکامی محاسبات بیرونی درباره رابطه مردم و حکومت است. برخی تحلیلگران معتقدند بازیگران خارجی معمولاً تصور می‌کنند وجود اعتراضات اجتماعی، نارضایتی اقتصادی یا شکاف‌های سیاسی به طور خودکار به فروپاشی سریع منجر می‌شود. اما جامعه‌شناسان سیاسی بارها گفته‌اند که اعتراض اجتماعی معادل فروپاشی نظم سیاسی نیست. ممکن است شهروندان همزمان منتقد حکومت باشند اما در عین حال نسبت به امنیت ملی، تمامیت ارضی یا آینده کشور نگرانی جدی داشته باشند. این همان تفاوت میان «نارضایتی از دولت» و «پذیرش سقوط کشور» است؛ دو پدیده‌ای که گاه در تحلیل‌های بیرونی با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شوند.

عامل ششم، وجود شبکه‌های غیررسمی همبستگی اجتماعی است. در ایران، برخلاف بسیاری از جوامع مدرن فردگرا، هنوز خانواده گسترده، روابط محلی، پیوندهای قومی، بویژه شبکه‌های مذهبی و گروه‌های غیررسمی نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی دارند. در شرایط بحران، این شبکه‌ها می‌توانند نقش ضربه‌گیر ایفا کنند و مانع از فروپاشی سریع نظم اجتماعی شوند. اما پرسش مهم‌تر این است که چگونه مردمی که درباره مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اعتراض دارند، ناگهان منسجم می‌شوند؟ پاسخ بسیاری از نظریه‌پردازان این است که انسان‌ها همزمان دارای چندین سطح هویت هستند. شهروند ممکن است نسبت به سیاست‌های اقتصادی، محدودیت‌های اجتماعی یا فساد ناراضی باشد، اما وقتی خطر خارجی احساس می‌شود، لایه عمیق‌تری از هویت او فعال می‌شود: هویت ملی و احساس تعلق به سرزمین. در نظریه هویت اجتماعی، این را فعال شدن هویت برتر در شرایط تهدید (Activation of Superordinate Identity under Threat) می‌نامند.

در نهایت شاید بتوان گفت مهم‌ترین نکته‌ای که این تجربه نشان می‌دهد آن است که جامعه را نباید صرفاً از طریق شاخص‌های نارضایتی سنجید. یک جامعه ممکن است همزمان ناراضی، منتقد، خشمگین و معترض باشد، اما همچنان در لحظه خطر، ظرفیت بالایی برای انسجام جمعی داشته باشد. اعتراض همیشه به معنای فروپاشی نیست؛ گاهی جامعه میان «مطالبه تغییر در داخل» و «مقاومت در برابر فشار بیرونی» تفکیک روشنی قائل می‌شود.

اگر بخواهیم این بحث را در قالب یک گزاره جامعه‌شناختی خلاصه کنیم، شاید بتوان گفت: «جامعه ایران نشان داد که نارضایتی داخلی الزاماً به معنای گسست ملی نیست؛ در شرایط تهدید خارجی، لایه‌های عمیق‌تر هویت تاریخی، حافظه جمعی، ملی‌گرایی تدافعی و تجربه تاریخی مداخله خارجی می‌توانند به سرعت فعال شوند و انسجامی ایجاد کنند که در شرایط عادی قابل مشاهده نیست.» این شاید مهم‌ترین نکته‌ای است که بسیاری از تحلیلگران بیرونی در فهم جامعه ایران بارها نادیده گرفته‌اند.

آقای دکتر مطالبی که اشاره کردید، همه به نوعی با مباحث جامعه‌شناسی مرتبط هستند. از همین زاویه ارزیابی هم داشته باشید از طبقه متوسط در ایران و عملکرد آن در دوران جنگ. به هر حال در تحولات مدرن طبقه متوسط را موتور محرک تحولات در جامعه می‌خوانند. نقش آفرینی این طبقه را چگونه دیدید؟

از نظر جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی، طبقات اجتماعی بسیار قابل تأمل است و به گمان من یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که در تحلیل‌های رایج، بویژه تحلیل‌های بیرونی درباره ایران، کمتر دیده می‌شود.

اگر خوب نگاه کنیم یکی از تحولات مهم جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، شکل‌گیری و گسترش نوعی طبقه متوسط جدید بود؛ طبقه‌ای که برخلاف طبقه متوسط کلاسیک مبتنی بر مالکیت اقتصادی، بیش از آنکه بر سرمایه اقتصادی استوار باشد بر سرمایه فرهنگی (Cultural Capital) تکیه دارد؛ مفهومی که پی‌یر بوردیو جامعه شناس فرانسوی آن را وارد ادبیات جامعه‌شناسی کرد. این طبقه شامل طیف گسترده‌ای از دانشگاهیان، معلمان، مهندسان، پزشکان، کارشناسان فنی، کارمندان تخصصی، فعالان فرهنگی، صاحبان کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، متخصصان فناوری و گروه بزرگی از نیروهای آموزش‌دیده شهری است که طی چهار دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی ایران تبدیل شده‌اند.

نخستین ویژگی این طبقه، سطح بالای آگاهی نسبت به پیچیدگی‌های سیاسی و اقتصادی جهان معاصر است. این طبقه به دلیل دسترسی بیشتر به آموزش عالی، رسانه، دانش تخصصی و ارتباطات جهانی، معمولاً بهتر از سایر گروه‌های اجتماعی می‌تواند پیامدهای واقعی جنگ، مداخله خارجی و فروپاشی نظم سیاسی را درک کند. برخلاف تصور رایج که گمان می‌کند نارضایتی سیاسی لزوماً به استقبال از هرگونه تغییر در نظام سیاسی منجر می‌شود، این طبقه غالباً می‌داند که حمله خارجی یا بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند زنجیره‌ای از پیامدهای غیرقابل کنترل ایجاد کند: سقوط بیش از حد ارزش پول، فروپاشی خدمات عمومی، مهاجرت گسترده نخبگان، تخریب زیرساخت‌ها، ناامنی اقتصادی و حتی تجزیه یا جنگ داخلی.

> طبقه متوسط ایران طی دهه‌های اخیر به‌شدت جهانی شده است. این طبقه تجربه کشورهای مختلف را مطالعه می‌کند و نمونه‌های معاصر را می‌بیند: عراق پس از ۲۰۰۳، لیبی پس از ۲۰۱۱، سوریه در خلال جنگ داخلی. برای بخش مهمی از این طبقه، این تجربه‌ها یک هشدار تاریخی هستند که نشان می‌دهند فروپاشی دولت مرکزی، توسط نیروی خارجی یا خارج نشسته، حتی اگر با شعار آزادی یا تغییر آغاز شود، می‌تواند به سال‌ها بی‌ثباتی منجر شود

دومین ویژگی مهم این طبقه، ترجیح توسعه برآشوب است. طبقه متوسط جدید معمولاً طبقه‌ای انقلابی نیست. در ادبیات جامعه‌شناسی توسعه گفته می‌شود طبقه متوسط بیش از آنکه خواهان دگرگونی بنیادین باشد، خواهان اصلاح تدریجی و توسعه پایدار است. دلیل آن روشن است: این طبقه بیشترین سرمایه‌گذاری را بر آموزش، تخصص، حرفه و آینده‌نگری انجام داده است و هرگونه بی‌ثباتی شدید می‌تواند این سرمایه بلندمدت را نابود کند. به همین دلیل، حتی اگر در شرایط عادی منتقد سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی باشد، در لحظه‌ای که احساس کند ساختار کلی کشور در معرض تهدید خارجی قرار گرفته، رفتار خود را تغییر می‌دهد.

ویژگی سوم، وابستگی شدید این طبقه به نظم نهادی و زیرساخت‌های مدرن است. برخلاف طبقات سنتی که بخشی از زندگی اقتصادی‌شان ممکن است مستقل از ساختارهای پیچیده مدرن باشد، طبقه متوسط جدید زندگی روزمره خود را در پیوند مستقیم با دانشگاه، نظام بانکی، اینترنت، بازار کار تخصصی، آموزش رسمی، تجارت مدرن، ارتباطات دیجیتال و ساختارهای بوروکراتیک تنظیم کرده است. به همین دلیل این طبقه بیش از دیگران می‌داند که جنگ خارجی یا فروپاشی سیاسی پیش از همه همین زیرساخت‌ها را نابود می‌کند. چهارمین ویژگی، محاسبه‌گری عقلانی است. این طبقه معمولاً کنش سیاسی خود را نه صرفاً بر مبنای احساسات بلکه بر اساس محاسبه هزینه و فایده تنظیم می‌کند. ممکن است در شرایط عادی انتقاد کند، در فضای عمومی مطالبات سیاسی و اجتماعی مطرح کند یا حتی در برخی اعتراضات مشارکت داشته باشد، یا در برخی انتخابات شرکت نکند، اما هنگامی که با خطر خارجی روبه‌رو می‌شود نوعی بازنگری عقلانی صورت می‌گیرد. این طبقه می‌پرسد: «آیا بدیل موجود بهتر از وضعیت فعلی است یا هزینه‌های آن بسیار سنگین‌تر خواهد بود؟»

به همین دلیل است که در شرایط تهدید خارجی معمولاً رفتار این طبقه تغییر می‌کند. این تغییر لزوماً به معنای حمایت فعال سیاسی نیست؛ بلکه گاه به شکل تعلیق موقت انتقاد ظاهر می‌شود. از همین نکته استفاده می‌کنم و توصیه می‌کنم به مسئولان که اگر باردیگر خدا نکرده جنگی شروع شد اینترنت را قطع نکنند چون حتی اگر دسترسی به اینترنت و فضای عمومی باز باشد و امکان ادامه انتقاد وجود داشته باشد، بخشی از این طبقه آگاهانه سطح انتقاد خود را کاهش می‌دهد یا سکوت می‌کند، و عده زیادی از آنان هواداری خواهند کرد، زیرا اولویت ذهنی‌شان از «مطالبه تغییر» به «جلوگیری از فروپاشی» منتقل می‌شود.

از منظر نظری می‌توان گفت این طبقه میان دو وضعیت تفاوت قائل می‌شود: اول، نارضایتی از عملکرد ساختارهای داخلی؛ دوم، تهدید علیه موجودیت کشور. این دو برای آنان یکی نیستند. ممکن است فردی نسبت به سیاست‌های داخلی انتقاد داشته باشد، اما همچنان باور داشته باشد که جنگ خارجی یا بی‌ثباتی شدید، امکان هرگونه توسعه آینده را از بین می‌برد.

نکته مهم دیگر آن است که طبقه متوسط ایران طی دهه‌های اخیر بشدت جهانی شده است. این طبقه تجربه کشورهای مختلف را مطالعه می‌کند و نمونه‌های معاصر را می‌بیند: عراق پس از ۲۰۰۳، لیبی پس از ۲۰۱۱، سوریه در خلال جنگ داخلی. برای بخش مهمی از این طبقه، این تجربه‌ها یک هشدار تاریخی هستند که نشان می‌دهند فروپاشی دولت مرکزی، توسط نیروی خارجی یا خارج نشسته، حتی اگر با شعار آزادی یا تغییر آغاز شود، می‌تواند به سال‌ها بی‌ثباتی منجر شود. در نتیجه می‌توان استدلال کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل مقاومت اجتماعی ایران در برابر فشار خارجی، نه فقط احساسات ملی‌گرایانه یا بسیج سیاسی، بلکه حضور یک طبقه متوسط فرهنگی گسترده، تحصیل‌کرده، آینده‌نگر و توسعه‌محور است؛ طبقه‌ای که گرچه ممکن است منتقد بسیاری از وضعیت‌های موجود باشد، اما در لحظه تهدید خارجی به دلیل آگاهی بیشتر نسبت به هزینه‌های فروپاشی، ترجیح می‌دهد از ورود کشور به مسیر آشوب جلوگیری کند. شاید یکی از خطاهای مهم بسیاری از تحلیلگران نیروهای خارجی همین باشد که تصور می‌کنند هر جامعه منتقد، لزوماً جامعه‌ای آماده فروپاشی است؛ در حالی که وجود طبقه متوسط توسعه‌گرا می‌تواند دقیقاً نتیجه معکوس ایجاد کند.

جنگ آمریکا علیه ایران تعداد زیادی از نیروهای سیاسی با موضع مختلف را با هم علیه تجاوز خارجی همبسته کرد. پیشنهاد شما برای تداوم چنین همبستگی چیست؟

جنگ ۴۰ روزه، نیروهای سیاسی و اجتماعی متفاوتی را در برابر تجاوز خارجی به هم نزدیک کرد؛ چه در داخل و چه در خارج، اما باید میان «همبستگی دوران جنگ» و «انسجام پایدار پس از جنگ» تفاوت گذاشت. همبستگی زمان جنگ معمولاً بر اثر وجود تهدید مشترک شکل می‌گیرد و پس از کاهش خطر، اختلافات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوباره آشکار می‌شوند. بنابراین انتظار تداوم همان سکوت و هم‌صدایی نه واقع‌بینانه است و نه لزوماً مطلوب. آنچه می‌توان حفظ کرد، هسته ملی این همبستگی است: پذیرش اینکه ایران خانه مشترک همه ایرانیان است و اختلاف سیاسی نباید به حذف یا اتکا به مداخله خارجی بینجامد. من بسیاری از هموطنان خارج از ایران را دیدم که علیرغم سختی‌هایی که در گذشته دیده بودند سخت نگران ایران بودند.

برای پایداری این سرمایه اجتماعی، چند اقدام ضروری است.

اول، هیچ جناحی نباید مقاومت مردم را به تأیید کامل خود تفسیر کند. بسیاری از مردم برای دفاع از کشور ایستادند.

دوم، باید میان منتقد داخلی و وابسته به دشمن تفاوت گذاشت. شهروند می‌تواند همزمان منتقد اما وفادار به ایران باشد.

سوم، همبستگی پس از جنگ باید با گشایش، کاهش برخی محدودیت‌ها، شنیدن صدای گروه‌های مختلف و مشارکت واقعی مردم پاسخ داده شود. چهارم، بازسازی اقتصادی، مهار تورم، اشتغال، خدمات عمومی و کاهش ناامنی نسبت به آینده باید در مرکز سیاست‌های پس از جنگ قرار گیرد. همبستگی ملی تنها با شعار حفظ نمی‌شود؛ باید در زندگی روزمره مردم اثر ملموس داشته باشد. در این میان، طبقه متوسط جدید نقش مهمی دارد. این طبقه در زمان جنگ، به دلیل آگاهی از پیامدهای فروپاشی و بی‌ثباتی، ممکن است انتقاد خود را موقتاً کاهش دهد. پس از جنگ انتظار دارد در اداره کشور سهم داشته باشد و توسعه، ثبات، آزادی‌های مدنی و ارتباط با جهان تقویت شود. در نتیجه، حفظ همان وحدت دوران جنگ ممکن نیست، اما می‌توان آن را به نوعی «همبستگی در عین اختلاف» تبدیل کرد. شرط آن این است که حکومت، همراهی مردم را با اعتماد، اصلاح حکمرانی، عدالت، توسعه و پذیرش تکثر پاسخ دهد. مردم در جنگ به کشور فرصت بقا دادند؛ سیاست پس از جنگ باید به مردم فرصت مشارکت و زندگی بهتر بدهد.

در کنار همبستگی مردمی، شاهد افزایش انسجام سیاسی و هماهنگی بین نهادی در سطح کشور بودیم که به نظر می‌رسد از فروپاشی ساختار اداره کشور جلوگیری کرد. نقش دولت در این هماهنگی و انسجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من، اگر بخواهیم نقش دولت را در این جنگ از منظر جامعه‌شناسی دولت ارزیابی کنیم، باید میان رقابت عمومی و ظرفیت حکمرانی تفاوت بگذاریم. این دو الزاماً یکسان نیستند. ممکن است دولتی با چالش‌های جدی در رضایت عمومی روبه‌رو باشد، اما در عین حال از ظرفیت نهادی بالایی برای اداره بحران برخوردار باشد؛ و برعکس. در مورد ایران، یکی از نکاتی که بسیاری از تحلیلگران داخلی و خارجی به آن اشاره کرده‌اند این است که برخلاف انتظار برخی ناظران، ساختار اداره کشور در جریان جنگ از هم نپاشید. وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، نهادهای خدماتی، شبکه‌های امدادی، بخش درمان، شبکه انرژی، بانک‌ها، شوراهای امنیتی و نیروهای نظامی و انتظامی توانستند، با وجود فشار شدید، کارکردهای اصلی خود را حفظ کنند. این همان چیزی است که در ادبیات علوم سیاسی از آن با عنوان تاب‌آوری نهادی یاد می‌شود.

تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که آغاز فروپاشی دولت معمولاً زمانی است که خدمات اساسی مانند برق، آب، درمان، حمل‌ونقل، نظام بانکی و توزیع کالا از کار بیفتند. در ایران، با وجود خسارت‌ها، این خدمات به طور کامل متوقف نشدند و همین امر به حفظ آرامش نسبی جامعه کمک کرد. پژوهش‌های جدید نیز تأکید می‌کنند که جنگ لزوماً به فروپاشی نهادها منجر نمی‌شود و کیفیت حکمرانی در دوران بحران نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از فروپاشی دارد. اما تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که موفقیت در مدیریت جنگ تنها زمانی به سرمایه‌ای پایدار تبدیل می‌شود که ظرفیت بسیج و هماهنگی دوران بحران، در دوره پس از جنگ به حکمرانی کارآمد، بازسازی اقتصادی، افزایش اعتماد عمومی و اصلاحات نهادی تبدیل شود.

اخبار

حمایت همه‌جانبه دولت از تولیدکنندگان و واردکنندگان

نشست ویژه راهبری تأمین کالاهای اساسی با محور بررسی وضعیت واردکنندگان نهاده‌های دامی و روغنی، به ریاست مسعود پزشکیان و با حضور وزیر جهاد کشاورزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور برگزار شد. در ابتدای این نشست وزیر جهاد کشاورزی، گزارشی از روند تأمین ارز و فرآیند رسیدگی به مطالبات واردکنندگان نهاده‌های دامی و روغنی ارائه و آخرین وضعیت اقدامات انجام‌شده در این حوزه را تشریح کرد. در ادامه، نمایندگان واردکنندگان این بخش، با توضیح مسائل و چالش‌های پیش‌روی فعالان اقتصادی، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را درباره تسریع در پرداخت مطالبات ارزی، تقویت سازوکارهای حمایتی، مدیریت بازار و رفع موانع قانونی و اجرایی مطرح کردند. رئیس‌جمهوری در این نشست، با قدردانی از نقش و تلاش‌های تولیدکنندگان و واردکنندگان در تأمین کالاهای اساسی کشور، ایفای به‌موقع تعهدات مالی و ارزی دولت را از اولویت‌های مهم دولت برشمرد و تأکید کرد: رسیدگی به مطالبات فعالان این حوزه، ضرورتی فوری و اجتناب‌ناپذیر است و باید با هماهنگی و سرعت لازم در دستور کار دستگاه‌های مسئول قرار گیرد. وی با تأکید بر ضرورت هم‌افزایی میان دستگاه‌های اجرایی، دستور داد وزارتخانه‌ها و نهادهای ذی‌ربط با همکاری و تعامل حداکثری، زمینه پرداخت بخشی از مطالبات واردکنندگان را فراهم کنند. پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود، با تأکید بر حمایت همه‌جانبه دولت از تولیدکنندگان و واردکنندگان در شرایط حساس کنونی، تصریح کرد: «دولت با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های خود در کنار فعالان اقتصادی خواهد بود، اما در برابر هرگونه تخلف، سوءاستفاده یا اخلال در روند تأمین و توزیع کالاهای اساسی، با قاطعیت و در چارچوب قانون برخورد خواهد کرد.»

چراغ صحن بهارستان دوباره روشن شد

چراغ صحن علنی مجلس پس از ۱۴۶ روز خاموشی شامگاه روز دوشنبه با اعلام وصول یک طرح و اصلاح یک ماده از آیین نامه داخلی روشن شد. ۲۵۹ نماینده با در دست داشتن پرچم‌های سرخ به صحن سبز بهارستان بازگشته بودند و تصویر بزرگی از شمایل رهبر شهید انقلاب پیش روی شان قرار داشت. تصویری که اگر چه سوگ فقدان را برای نمایندگان تازه می‌کرد اما نماد و نشانه ای بود که قاعدتاً آنها را به پایبندی بیش از پیش به پیگیری و احقاق حقوق مردم فرا می‌خواند.

به این ترتیب در جلسه‌ای که با وجود شرایط اضطراری در یکی از پرتنش‌ترین روزهای درگیری با دشمن از زمان برقراری آتش‌بس برگزار شد، نمایندگان به کلیات طرحی رأی دادند که محتوای آن اصلاح ماده یک قانون آیین نامه داخلی مجلس برای قانونی ساختن سازوکار برگزاری صحن علنی در مواقع اضرار و شرایط خاص کشور بود. بر اساس این ماده واحده اصلاحی «در مواقع اضطرار و شرایط خاص کشور که بنا به تشخیص هیأت رئیسه مجلس حضور نمایندگان و برگزاری جلسات صحن مجلس در محل مذکور در این ماده امکان‌پذیر نباشد جلسه صحن با اطلاع‌رسانی به نمایندگان در محل دیگری غیر از محل دائمی یا در بستر فضای مجازی تشکیل می‌شود». این ماده واحده پس از نطق موافقان و مخالفان با ۲۱۱ رأی موافق، ۳۵ رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۹ نماینده حاضر تصویب شد. روز گذشته همچنین سمیه رفیعی عضو هیأت رئیسه مجلس، وصول طرح «اقدام راهبردی تأمین امنیت و پیشرفت پایدار تنگه هرمز و خلیج فارس» را اعلام و محتوای آن را برای نمایندگان و عموم مردم قرائت کرد. پیش از همه این دستورکارها حمیدرضا حاجی بابایی نایب رئیس دوم مجلس که ریاست جلسه را بر عهده داشت نطق پیش از دستور خود را به بازخوانی بخش‌هایی از پیام رهبر انقلاب پس از تشییع میلیونی پیکر رهبر شهید اختصاص داد. پیامی که در بخشی از آن به وکلای ملت توصیه شده بود: «با کار و ابتکار مضاعف، قانونگذاری و نظارت را در مسیر ریل گذاری آینده ایران اسلامی تسریع و تعمیق کنند».

دیروز همچنین انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس به صورت الکترونیکی برگزار شد و طی آن رؤسای کمیسیون ها در مسئولیت خود ابقا شدند. تغییری که خیلی در رسانه‌ها بازتاب یافت، حذف سید محمود نبویان و ابراهیم رضایی از هیأت رئیسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بود.

سید محمد خاتمی: تعرض به مذاکره و مذاکره‌کنندگان هیچ نسبتی با اسلام محمدی(ص) ندارد

خبر

رئیس‌جمهوری دولت‌های هفتم و هشتم، گفت: «تعرض به مذاکره و مذاکره‌کنندگان، به هیچ وجه نه با جوهر اسلام محمدی(ص) نسبتی دارد و نه خدمت به ایران است.»

به گزارش ایرنا سیدمحمد خاتمی در جمع مشاوران خود با بیان اینکه، ایران عزیز امروز با پیکر زخم دیده از جور اغیار و نامهربانی و کم‌دانی یاران، نگران اما همچنان سربلند برپا ایستاده است، گفت: «کشور اینک بیشتر نیازمند فکر گریز از تنگناهای سختی است که در مقاطع پیشین با حضور چشمگیر مردم در صحنه و فداکاری و کارآمدی فرزندان رزمنده نظامی و پایمردی و دلیری دیگر فرزندان شایسته در مذاکره و مدیریت بحران برای دور کردن سایه جنگ از کشور طی شده است.»

وی با تأکید بر اینکه میدان‌های دفاع و دیپلماسی و اداره کشور در شرایط سخت اقتصادی از هم جدا نیستند، افزود: «تدوین تفاهمنامه ۱۴ ماده‌ای برای رفع مخاصمه و نیل به توافق پایدار، تصویب آن در شورای عالی امنیت ملی، تأیید آن از سوی رهبری و امضای نهایی آن توسط رئیس‌جمهوری، فرصت و آغاز راهی است که با همه دشواری‌ها می‌تواند سند راهگشای یک افق جدید ملی و بین‌المللی برای عبور از بحران باشد. جا دارد از تدبیر شجاعانه و فداکارانه رئیس‌جمهوری در اداره کشور با وجود کمبودهای شدید و سوق دادن جامعه به سوی آرامش و امنیت و رفع خطرات برای موجودیت ایران و حرکت به سوی آینده بهتر ملت از صمیم قلب قدردانی کنیم.»

رئیس دولت اصلاحات ادامه داد: «واقعیت‌های مشهود و گزارش‌های سیاسی و پیمایش‌های معتبر علمی و اجتماعی نشانگر آنند که اکثریت مردم با گرایش‌های مختلف از دخالت و به خصوص تجاوز خارجی خشمگین و در عین حال نگران از آینده و خواستار رفع مخاصمات برای رهانیدن کشور از مشکلات عدیده‌ای هستند که عرصه زندگی را بر آنان از لحاظ اقتصادی، معیشتی، امنیتی، روانی، اجتماعی و فرهنگی تنگ کرده است. به همین سبب، کار ارزنده دولت و مدیریت عالی نظامی-سیاسی کشور را در حرکت به سوی توافق و مذاکره برای حل مشکلات سیاسی، به رغم بی‌اعتمادی به دشمنان و دشواری‌های پیشبرد تفاهم مورد تأیید قرار می‌دهند.»

وی با اشاره به حضور چشمگیر ملت در مراسم اخیر وداع با پیکر رهبر شهید و شهیدان دیگر اظهار کرد: «خشم شدید دلبستگان به انقلاب و حتی بخش‌هایی از جامعه که ایران عزیز را سربلند می‌خواهند، از شهادت رهبر فقید کشور و نیروهای فداکار نظامی و امنیتی و سیاسی و انبوهی از شهروندان بی‌پناه و کودکان مظلوم مشهود بود اما در طرف مقابل نیز تهدیدها و تلاش‌های رئیس جمهوری آمریکا که در تحقق ادعاهای واهی خود ناکام مانده و از سوی رقیبان و همچنین افکار عمومی آمریکا و جهان مورد انتقاد و تحت فشار شدید قرار گرفته است، برجسته شد، این پیامدها اگر با تدبیر و واقع‌بینی مدیریت نشود و محوریت توافق و تعهدات آن در این میان مخدوش گردد، می‌تواند خود به چالشی جدید بر سر راه آرامش بعد از طوفان و استقرار امنیت نه تنها در ایران که در منطقه تبدیل شود.»

خاتمی با بیان اینکه جای تأمل و تأسف است که در میانه چنین وضعیت پیچیده و شکننده‌ای که باز اسرائیل میاندار شده به تحریک آمریکا پرداخته است، از برخی افراط‌گری‌ها انتقاد کرد و گفت: «من به حکم انصاف و اخلاق و خرد، طرفداران جنگ و انتقام و تلاشگران سیاسی و رسانه‌ای را برای ناکام گذاشتن توافق و ایجاد دوگانگی در حکمرانی و قطبی کردن جامعه، همدل با اسرائیل نمی‌دانم، ولی می‌گویم اگر چه بسیاری از آنان نیت خوب دارند، اما در عمل همان راهی را می‌روند و همان حرفی را می‌گویند که اسرائیل می‌رود و می‌گوید.»

وی گفت: «امروز از پدرکشتگی مردم ایران با آمریکا سخن می‌رود که سخن درستی است. رهبر فقید پدر همه کسانی بود که به انقلاب و جمهوری اسلامی وفادار بودند و نیز برای انبوهی از نیروهایی که استقلال و ایستادگی را در برابر تجاوزکاران پاس می‌داشتند نیز نماد بزرگی بود.

ولی آنچه اکنون باید مهم و مبنا باشد عبور از بحران‌ها و تنگناهاست.»

خاتمی اضافه کرد: «اکنون با صراحت می‌گویم با همه وجود طرفدار صلح شرافتمندانه‌ام و بعید می‌دانم که اسرائیل نیز به آسانی بگذارد در منطقه ما صلح پایدار برقرار بشود، ولی هر گامی که در جهت رفع سایه شوم جنگ و جلوگیری از خسارت و ویرانی کشور و پرهیز از آنچه زندگی تلخ مردم ما را تلخ‌تر و پررنج می‌کند، برداشته شود عین صواب و مصلحت برای ایران است؛ به همین جهت نیز کار بزرگ رئیس جمهوری و شورای عالی امنیت ملی را می‌ستایم و بر ضرورت حمایت همه جانبه از توافق و پیشبرد الزامات و تعهدات آن، پشتیبانی ازمذاکره و مذاکره‌کنندگان تأکید می‌کنم.»